



The Right of the Victim to Participate in the Judicial Process in International Documents and Judicial Procedure

Vahid Vaziri¹, Abolfath Khaleghi*², Mohammad Khalil Salehi³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
(Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 233-244

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-0518-8204

TELL: +982532103000

Email: ab-khaleghi@qom.ac.ir

Article history:

Received: 09 Sep 2022

Revised: 24 Oct 2022

Accepted: 03 Nov 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

*Victim Participation,
Proceedings, International
Criminal Court, Judicial
Procedure.*

ABSTRACT

The regulations of the International Criminal Court are of special importance due to having a support of the agreement of the international community, which can be taken into consideration by the legislator as a guiding model. The purpose of this research is to investigate the participation of the victim in the process of international crimes based on documents and judicial procedure. This research was carried out using the descriptive analytical method and the information obtained from the research was obtained with the help of the library documentation method. The findings of the research show that the right to participation of victims is accepted in jurisprudence. Also, this right in international proceedings and consideration of their wishes in determining the punishment is one of the legal protections foreseen in the documents of the International Criminal Court. The International Court of Justice has endeavored to choose the best ways to protect the victims and to implement these solutions in order to draw a suitable position for the victims and provide them with proper support in the context of the international criminal justice cycle. The result is that it is necessary to make the victim participate in the preliminary investigation process regarding the crime committed against him. It is only in this situation that the victim is not ignored and at the same time his potential can be used to protect his rights.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Vaziri, V; Khaleghi, A & Salehi, M (2023). "The Right of the Victim to Participate in the Judicial Process in International Documents and Judicial Procedure". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 233-244.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

حق بر مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در اسناد و رویه قضایی بین‌المللی

وحید وزیری^۱، ابوالفتح خالقی^{۲*}، محمدخلیل صالحی^۳

۱. دانشجوی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

مقررات دیوان به دلیل برخورداری از پشتوانه مستحکم توافق جامعه جهانی اهمیت ویژه‌ای دارند که می‌تواند به‌عنوان الگویی ارشادی، ازسوی مقنن مورد توجه قرار گیرد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی جنایات بین‌المللی مبتنی بر اسناد و رویه قضایی می‌باشد. این تحقیق با استفاده از شیوه تحلیلی توصیفی انجام شده و اطلاعات حاصل از تحقیق، به‌کمک روش اسنادی کتابخانه‌ای به‌دست آمده است. یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که حق بر مشارکت قربانیان در فقه پذیرفته شده است. همچنین این حق در دادرسی بین‌المللی و توجه به خواست آنان در تعیین مجازات از جمله حمایت‌های حقوقی پیش‌بینی‌شده در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی است. دیوان بین‌المللی با کوشش در گزینش بهترین شیوه‌های حمایت از بزه‌دیدگان و عملیاتی و اجرایی نمودن این راهکارها در پی ترسیم جایگاهی مناسب برای قربانیان و حمایت شایسته از آنان در بستر چرخه عدالت کیفری بین‌المللی بوده است. نتیجه اینکه لازمه احقاق حقوق، مشارکت دادن بزه‌دیده از همان ابتدای فرایند تحقیقات مقدماتی در خصوص جرم ارتكابی علیه او است، تنها در این وضعیت است که بزه‌دیده نادیده گرفته نمی‌شود و درعین حال می‌توان از توان بالقوه وی در حفظ حقوق خودش استفاده کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۳۳-۲۴۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۰۵۱۸-۸۲۰۴

تلفن: +۹۸۲۵۳۲۱۰۳۰۰۰

ایمیل: ab-khaleghi@qom.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مشارکت بزه‌دیده، دادرسی، دیوان

کیفری بین‌المللی، رویه قضایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

از جمله مباحثی که از دیرباز در زمینه‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است، حمایت از بزه‌دیده و منافع مادی و معنوی آن است. یکی از ارکان مطالعه در زمینه بزه‌دیده شناسی، تعیین جایگاه بزه‌دیده از منظر جرم شناختی است. بنابراین حساسیت جایگاه بزه‌دیده و ارتباط تنگاتنگ آن با فرایند کیفری به قدری ملموس است که گفته شده است، اگر بزه‌دیده‌ای نباشد، دعوی نیز متصور نخواهد بود. «بزه‌دیده شخص یا اشخاصی است که منفرداً یا به صورت گروهی، بر اثر فعل یا ترک فعل که جرم تلقی می‌شود، متحمل صدمات بدنی، روانی، معنوی و اقتصادی شده یا به حقوق اساسی آن‌ها آسیب جدی وارد شده باشد. همچنین به اعضای درجه یک خانواده و دیگر بستگان بزه‌دیده مستقیم از وقوع جرم و اشخاصی که در جریان یاری‌رساندن به بزه‌دیدگان در اضطراب یا برای اجتناب از قربانی شدن آسیب‌دیده‌اند، تسری داده شده است. از دیدگاه ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، بزه‌دیدگان به معنای اشخاص حقیقی هستند که در نتیجه ارتکاب هر جرمی که در صلاحیت دیوان قرار دارد، دچار آسیب شده‌اند و یا ممکن است، شامل سازمان‌ها یا نهادهایی شوند که اموالشان اختصاص به مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه یافته و به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و دیگر اماکن و اشیاء آن‌ها که برای اهداف بشردوستانه می‌باشد، آسیب مستقیم وارد شده است» (پرویزی و داورنیا، ۱۳۹۹: ۱۸۵-۱۵۹). مطالعه جایگاه بزه‌دیده مسأله‌ای نیست که تاریخ حقوق کیفری و فقه با آن ناآشنا باشد، شناسایی بزه‌دیده و جایگاه آن به قدری اهمیت دارد که شاخه‌ای به عنوان بزه‌دیده‌شناسی مطرح شده است که هدف آن شناسایی جایگاه بزه‌دیده و بررسی عوامل بزه‌دیدگی از طریق بررسی نقش عوامل روان‌شناختی، زیست‌شناختی، اخلاقی، اجتماعی و... می‌باشد که با ارائه راهکارهایی مانع از وقوع بزه‌دیدگی شده و به حمایت از بزه‌دیدگان می‌پردازد. در حالی که از حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی به عنوان شاهکار حقوقی یاد می‌گردد، اما به دلیل اینکه مشارکت بزه‌دیده در دادرسی به

شروط گوناگونی من جمله احراز صلاحیت قربانی مشروط شده است، اصلی‌ترین حق بزه‌دیده و آنچه از آن به عنوان تحول اساسی حقوق بزه‌دیده یاد می‌شود، تضییع شده است، لذا در این پژوهش محقق به دنبال بررسی حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در فقه، اسناد و رویه قضایی بین‌المللی است.

۱- حق بر مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در فقه

در این قسمت به بررسی حق بر مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در فقه پرداخته می‌شود.

۱-۱- مشارکت بزه‌دیده به صورت حق دادخواهی و تجدیدنظرخواهی

مهم‌ترین حق مشارکت بزه‌دیده در فقه اسلام، حق دادخواهی است. دادخواهی، به حاکم یا قاضی شکایت بردن است. معادل آن در زبان عربی «تظلم» است، که به معنای شکایت کردن از ظلم و ستم دیگری به حاکم می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۷۴/۱۲). علاوه بر این، بزه‌دیده دارای حق تجدیدنظرخواهی است. با تشکیل حکومت اسلامی، در صدر اسلام نیز در برخی موارد، حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی نسبت به احکام صادر شده از سوی دادرسان برای طرفین یعنی شاکی و متهم به رسمیت شناخته شده بود. پیامبر اکرم (ص) اشخاصی را به عنوان دادرس در مناطق مختلف منصوب کرده بود، از جمله حضرت علی (ع) که در یمن به عنوان قاضی برای رسیدگی و حل اختلافات انتخاب کرده بود و در دادرسی حضرت علی (ع) در یکی از پرونده‌ها، کسانی که بر علیه‌شان حکم صادر شده بود از تصمیم امیرالمؤمنین (ع) نزد پیامبر پژوهش‌خواهی کردند که پیامبر (ص) به هنگام حج، پس شنیدن این موضوع، حکم علی را تأیید و ابرام نمود (وکیع، ۱۳۵۹: ۹۵/۱).

همچنین در زمان حکومت عدالت علوی، پس از رسیدگی و صدور رأی از جانب قاضی منصوب شده، کسانی که بر علیه‌شان حکم صادر شده بود نزد علی (ع) می‌رفتند و تقاضای پژوهش‌خواهی می‌کردند، از جمله در قضیه کشته شدن

مسالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه تعارض آن‌ها پیش‌بینی گردیده است. به علاوه آیاتی که دلالت برای الزام به اقامه حق و عدل متکی بر ضوابط الهی دارد (مائده/۴۴)، مشروعیت حکمیت را تأیید می‌نماید» (وکیع، ۱۳۵۹: ۹۹/۱). «بنابراین سفارش به برقراری صلح و سازش، قبل از رسیدگی رسمی به دعوا، از امتیازات نظام دادرسی اسلامی است. این برقراری صلح و سازش صرف‌نظر از جنبه اخلاقی آن، به‌صورت تدابیر و ابزارهای حقوقی و به‌صورت سازمان‌یافته اما غیررسمی امکان‌پذیر می‌گردد. از جمله نهادهایی که حصول توافق بین متخاصمین را میسر می‌سازد تا از توسل به سیستم دادگستری اجتناب شود همان نهاد قضایی تحکیم می‌باشد. ابزار کار قضایی تحکیم قبل از توسل به قانون یا مقررات فقهی و حقوقی، اصلاح ذات‌البین (که در ادامه بدان پرداخته می‌شود) بین طرفین بوده است» (محمدی گیلانی، ۱۳۶۲: ۶۲). «درحالی‌که توسل پی‌درپی به دادگستری، اندیشه‌ای عبث خواهد بود. از این‌روی باید به کلیه تدابیر و ابزارهای غیررسمی برای رفع اختلافات بهره برد و توسل به سیستم رسمی دادگستری باید به‌عنوان آخرین راه حل صورت گیرد. در نظام حقوقی اسلام، اصلاح ذات‌البین، مهم‌تر از احقاق حق باتوسل به‌نظام رسمی دادگستری است، در قرآن کریم آیات متعددی از جمله آیات ۹۴ و ۹۵ سوره نساء، مردم و مؤمنان را به صلح و سازش دعوت نموده است و اینکه عفو و گذشت مجرم بهتر از انتقام و کیفر دادن است چراکه حل اختلافات با تمسک به آشتی و سازش دادن مهم‌تر از توسل به قانون و قضا است. حکمیت، قضاوتی است غیررسمی که هدف آن قطع و فصل تخاصم می‌باشد. انتخاب حکم و میانجی‌گر با اراده آزاد طرفین صورت می‌گیرد، بنابراین بزهکار خود در حل و فصل نزاع تلاش می‌نماید و رضایت حاصل از این نوع رفع تنازع برای طرفین بیشتر از رضایتی است که پس از اقدامات تحکیم‌آمیز قضایی، به‌وجود می‌آید» (رهگشا، ۱۳۸۲: ۳۳).

ابوعامر توسط همراهانش در مسیر شام، پس از دادخواهی شکات نزد شریح قاضی، وی به علت نداشتن بینه و دلیلی از سوی شکات، به‌نفع مظنونان حکم صادر نمود، اولیای دم برای اعتراض و احقاق حقوق خود نزد علی^(ع) پژوهش‌خواهی کردند که در نتیجه با رسیدگی مجدد توسط حضرت، حقیقت بر همگان آشکار و مظنونان به‌عنوان قاتل شناخته شدند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۹/۲۷). بنابراین روایات، این نکته برداشت می‌شود که در صدر اسلام نیز درخصوص بعضی پرونده‌ها که از اهمیت بالایی برخوردار بود، چنان‌چه حکمی صادر می‌شد و شاکی یا شاکیان پرونده، نسبت به حکم صادره اعتراضی داشتند در راستای ممانعت از پایمال شدن حقوق آنان، این حق به آن‌ها اعطاء شده بود که رسیدگی مجدد را خواستار شوند، همانند روایت اخیر، که پس از اعتراض شکات نسبت به حکم بدوی و رسیدگی مجدد توسط حضرت علی^(ع)، حقیقت برای عموم مردم آشکار گشت.

۱-۲- مشارکت بزه‌دیده به صورت میانجی‌گری

«در فقه اسلامی از میانجی‌گری به قضایی تحکیم تعبیر شده است. وقتی دو یا چند نفر در امر مالی یا غیرمالی اختلاف پیداکنند و باهم توافق کنند که برای رفع تنازع، شخصی را به‌عنوان حاکم انتخاب نمایند و رفع اختلاف را از وی بخواهند و تصمیم اتخاذشده از جانب وی را بپذیرند و شخص منتخب نیز غیر از قاضی منصوب از ناحیه امام باشد، این فعل یعنی حکم‌گردانیدن طرفین شخص ثالث را تحکیم و آن شخص ثالث را قاضی تحکیم می‌نامند، یعنی قاضی که با تحکیم و انتخاب دو نفر متخاصم، برگزیده شده است» (محمدی گیلانی، ۱۳۶۲: ۶۲). «در قرآن مجید، هرکجا سخن از دادرسی به میان آمده، واژه یا خانواده واژگان حکم، تحکیم، تحاکم و حکم به‌کار رفته و کمتر جایی از واژه قضا استفاده شده است» (محمدزاده اصل، ۱۳۷۹: ۴۷). هم‌چنین در قرآن کریم «آیات بسیاری دلالت بر جواز تمسک به داوری در حل و رفع تنازع دارد. حکمیت اجباری، طبق آیه ۳۵ سوره نساء، برای مورد طلاق، جهت ایجاد سازش بین زوجین و حل

۲- حق بر مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در اسناد بین‌المللی

در این قسمت، حق بر مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در اسناد بین‌المللی بررسی می‌شود.

۲-۱- دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی و رواندا

«آیین دادرسی و ادله محاکم یوگسلاوی و رواندا، هیچ نوع امکان دخالت بزه‌دیدگان در نقشی غیر از شاهد را پیش‌بینی نمی‌کنند. این امر از سوی قربانیان و به‌ویژه سازمان‌های حامی بازماندگان و خویشاوندان قربانیان جنایت نسل‌زدایی، رواندا، به‌عنوان یک خلأ قانونی جدی احساس شده است» (والین، ۱۳۸۵: ۵۶-۳۳). در دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی و رواندا «بزه‌دیدگانی که از سوی محاکم به‌عنوان شاهد فراخوانده نمی‌شدند، هیچ حق یا امکانی برای حضور نزد دیوان نمی‌یافتند. حضور بزه‌دیدگان به‌عنوان شاهد نیز به‌معنای امکان ارائه دیدگاه‌ها و دغدغه‌های آنان نبود. درحقیقت ادای شهادت محدود به موضوعاتی می‌شود که احضارکننده شاهد مایل به طرح آن‌ها است. به همین دلیل می‌باشد که بزه‌دیدگان افزون بر اینکه احساس کنند از سوی عدالت کیفری فراموش شده‌اند، معتقدند از جانب دادگاه به‌عنوان ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، زیرا حتی به هنگام یافتن فرصتی برای سخن گفتن نیز نمی‌توانند از آن‌چه که مایل به بیان آن هستند حرف بزنند، بلکه تنها می‌بایست به سؤالات پاسخ دهند» (Williams, 2004: 107).

۲-۲- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

«دیوان کیفری بین‌المللی با پشتیبانی سازمان‌های حمایت از حقوق بشر و حمایت از قربانیان و همچنین متأثر از دکتین مدعی خصوصی، گامی جسورانه در مسیر شناسایی حقوق بزه‌دیدگان برداشت» (Mekjiant & Varughese, 2005: 17). هرچند امکان شرکت قربانیان در دادرسی، حق طرح دعوی در دادگاه به‌شمار نمی‌آید و نمی‌توان از شکل‌گیری مدعی خصوصی صحبت کرد، اما این امر نسبت به سیستم کامن‌لا که آیین دادرسی محاکم ویژه یوگسلاوی و رواندا را

ساماندهی می‌کند، یک تحول واقعی محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین حقوق اعطا شده به بزه‌دیدگان حق مشارکت در دادرسی‌های مربوط به وضعیت‌ها و پرونده‌های مطرح نزد دیوان است. لوک‌والین در نخستین اظهارات خویش در برابر دیوان در جلسه تأیید اتهامات توماس لوبانگا خاطرنشان کرد: «امروز برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی بزه‌دیدگان می‌توانند نظرات و دل‌نگرانی‌های خویش را از طریق وکلای خود ابراز نمایند امروز آن‌ها می‌توانند از خود بگویند» (Will, 2007: 101). اساسنامه رم، دو طریق را در راستای حقوق مشارکتی بزه‌دیدگان ارائه کرده است: طریق اول که بسیار محدود است را مواد (۳) ۱۵ و ۱۹ اساسنامه صراحتاً مشخص و ترسیم کرده است که طبق آن، بزه‌دیدگان می‌توانند در شروع تحقیقات و مباحث صلاحیتی و قابل‌پذیرش بودن، ایفای نقش کنند. طریق دوم که بسیار موسع، اما تاریک و مبهم است، در ماده (۳) ۶۸ دیوان آمده که به بزه‌دیدگان اجازه می‌دهد به‌طور کلی، در مراحل رسیدگی مشارکت داشته باشند (Cohen, 2009: 25-26).

۲-۲-۱- مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی، مرحله اولیه دادرسی است. در گزارش خط‌مشی دادستانی آمده است که درخواست مشارکت بزه‌دیده وفق ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، براساس تفسیر علمی و فلسفه ایجاد، زمانی مورد حمایت دادسرا قرار خواهد گرفت که شرایط ذیل فراهم آید: انطباق شرایط متقاضی با تعریف بزه‌دیده در قاعده ۵۸ آیین دادرسی و ادله، تعرض به منافع شخصی متقاضی، «مناسب» تشخیص داده شدن مشارکت بزه‌دیده، منافی حقوق متهم و دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه نبودن مشارکت مقررات موضوعه دیوان درخصوص مشارکت بزه‌دیدگان کلی است و «این امر، قضات را قادر می‌سازد تا رویکرد موسعی در این راستا اتخاذ کنند. تاکنون دادستانی، شعب مقدماتی، شعب دادگاه و حتی شعبه تجدیدنظر، اقدام به تصمیم‌گیری در زمینه مشارکت بزه‌دیدگان کرده‌اند که بحث مشارکت در تحقیقات، به‌ویژه تحقیق در یک وضعیت، بیش‌ترین اختلاف نظر را به خود اختصاص داده است»

(رضوی فرد و فقیه‌محمدی، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۱۹۵). محاکمه لوبانگا در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، اولین محاکمه بین‌المللی است که به مشارکت بزه‌دیدگان، نه به‌عنوان شهود، بلکه به‌عنوان طرفی مجزا و مستقل از آن‌ها با حقوق جداگانه و نمایندگان حقوقی اختصاصی توجه کرده است (Rolek, 2013: 1). در مجموع، ۱۲۹ بزه‌دیده در محاکمه لوبانگا مشارکت داشتند و ۸ نماینده حقوقی، نمایندگی بزه‌دیدگان را برعهده گرفته بودند. عمده مشارکت در این پرونده مربوط است به مراحل تحقیق و شعبه مقدماتی به علاوه سه نفر از بزه‌دیدگان توانستند به ارائه دیدگاه‌هایشان در طول رسیدگی در دادگاه بپردازند. این وضعیت و پرونده درخصوص موضوع پژوهش حاضر، بیشترین دیدگاه‌ها را که بعضاً مغایر هم هستند در برگرفته است. «در این وضعیت نماینده دادستان معتقد بود که مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات، مغایر حقوق متهم و دادرسی عادلانه است. دادستان برخلاف شعبه مقدماتی، اصرار دارد که اشخاص زمانی به‌عنوان بزه‌دیده جهت مشارکت در مرحله تحقیقات یک وضعیت تلقی می‌شوند که شرایط قاعده ۸۵ آیین دادرسی و ادله و ماده (۳) ۶۸ به‌طور توأمان دارا باشد» (Rolek, 2013: 4-5).

«دادستان مدعی است که اجازه مشارکت به‌طور کلی (بلافاصله) در سطح وضعیت، هیچ مبنایی در اساسنامه ندارد و استدلال می‌کند که احراز شرایطی از قبیل این‌که آیا یک بزه‌دیده منافع شخصی داشته و نیز این‌که آیا این منافع شخصی در معرض تعرض قرار گرفته یا نه، مستلزم رسیدگی قضایی است و از آن‌جاکه در مرحله تحقیق یک وضعیت در دادسرا، قضاوتی صورت نمی‌گیرد، لذا مشارکت بزه‌دیده در این مرحله پذیرفته نیست. در مقابل شعبه مقدماتی استدلال‌های دادستان را نپذیرفته است» (Cohen, 2009: 25-26) که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است: مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیق در ایضاح حقایق، به‌منظور مجازات مرتکب آن جرایم و تقاضای جبران خسارت صدمات وارد شده به کار

می‌رود. از این‌رو مرحله تحقیق یک وضعیت و مرحله رسیدگی به دعوا در شعبه مقدماتی، هر دو مراحل مقتضی و مناسب از مراحل رسیدگی برای مشارکت بزه‌دیدگان محسوب می‌شوند. در نتیجه، این رویه‌ای برای بزه‌دیدگان در ارتباط با وضعیت (به‌طور کلی) و پرونده (به‌طور خاص) محسوب می‌گردد. هم‌چنین در رأی شعبه دوم مقدماتی نیز به این استدلال اشاره شده است که مشارکت بزه‌دیدگان در طول تحقیق یک وضعیت، ریشه در قاعده ۹۳ آیین دادرسی و ادله دارد، آن‌جا که به شعبه اجازه داده شده است که دیدگاه‌های بزه‌دیدگان و نمایندگان قانونی را که به موجب قواعد ۸۹ تا ۹۱ (در جلسات) شرکت داشته‌اند در هر موضوعی می‌تواند بخواهد و نظر سایر بزه‌دیدگان را چنان‌چه مقتضی بداند، می‌تواند درخواست کند، لذا می‌توان این‌گونه استنباط کرد که شعبه، در صورتی که مقتضی بداند، می‌تواند بزه‌دیدگان را جهت بیان دیدگاه‌هایشان در یک یا چند موضوع، آن‌هم در هر مرحله از رسیدگی دعوت کند (شامل مرحله تحقیق در یک وضعیت)، «اما در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸، شعبه تجدیدنظر، رأی شعبه مقدماتی را نقض کرد و این‌گونه حکم داد که تحقیق یکی از مراحل رسیدگی مورد اشاره در ماده (۳) ۶۸ محسوب نمی‌گردد. اجازه مشارکت به بزه‌دیدگان در ارزیابی اولیه وضعیت ارجاعی از سوی دولت عضو و نیز بر طبق اختیار انحصاری دادستان، برخلاف اساسنامه قلمداد می‌گردد. طبق تشخیص شعبه تجدیدنظر، حقوق مندرج در ماده (۳) ۶۸ منحصر به مراحل دادرسی نزد دیوان است و لذا شعبه مقدماتی، به‌غلط این حقوق محدود را تعمیم بخشیده و شامل تحقیقات نیز دانسته است. شعبه پژوهشی تشریح کرد که مانعی برای حضور و مشارکت بزه‌دیدگان در رسیدگی‌های قضایی نظیر رسیدگی‌هایی که در تحقیقاتش منافع و مصالح شخصی بزه‌دیده مورد تعرض قرار گرفته باشد، وجود ندارد» (Will, 2007: 101). این موضع، در وضعیت دارفور نیز توسط شعبه تجدیدنظر تأیید شد. ضمناً شعبه پژوهشی بیان داشته که واضح است شعبه مقدماتی نمی‌تواند ایجاد رویه‌ای را که متضمن حق کلی مشارکت بزه‌دیده باشد در امر تحقیق اعطا

دادرسی را بنمایند. این امر از لحاظ عملی نیز بسیار واجد اهمیت است زیرا جرایم در صلاحیت دیوان عمدتاً در سطحی وسیع واقع می‌شوند» (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

«عدم تحدید حق مشارکت به گروهی خاص از بزه‌دیدگان می‌تواند موجب اختلال در فرایند دادرسی شود. در عدالت ترمیمی این امر پذیرفته شده است که علاوه بر بزهکار و بزه‌دیده، جامعه محلی نیز که به نوعی بزه‌دیده غیرمستقیم تلقی می‌شود در فرایند رسیدگی مداخله نماید که تحدید مداخله، به بزه‌دیدگان مستقیم می‌تواند در تعارض با آن باشد. پیش شرط بهره‌مندی افراد از حقوق پیش‌بینی شده در دیوان، امکان قرارگرفتن آنان در قلمرو تعریف بزه‌دیده بر پایه مقررات دیوان است» (غلامی و رستمی‌غازانی، ۱۳۹۲: ۳۳).

«اعطای نمایندگی خاص به بزه‌دیدگان از دیگر حقوق مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری است. اساسنامه رم برای نخستین بار در تاریخ دادگاه‌های کیفری بین‌المللی این امکان فراهم آورد که حق داشتن نماینده حقوقی به بزه‌دیدگان اعطا شود تا بتوانند در استیفای حقوق خود مشارکت داشته باشند. در مقررات مرتبط با دادگاه‌ها یوگسلاوی سابق و روندا چنین تدبیری پیش‌بینی نشده بود» (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۷۰). بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم، به دیوان اختیار داده است تا حق داشتن نماینده را به بزه‌دیدگان اعطا نماید. این ماده اشعار می‌دارد: «چنان‌چه مصالح شخصی بزه‌دیدگان تحت تأثیر قرارگرفته باشد، دادگاه این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌کند تا نظرات و تقاضای خود را اظهار نمایند دادگاه این نظرات را در هر مرحله‌ای از دادرسی که مناسب تشخیص دهد و یا درجایی که منافی حقوق متهم برای یک محاکمه عادلانه و بی‌طرف نباشد لحاظ خواهد کرد». «نظرات و مسائل مربوط به بزه‌دیدگان، در مواردی که دیوان بر طبق آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا مناسب تشخیص دهد، می‌تواند به وسیله نمایندگان حقوقی ایشان بیان گردد، چنین راهکاری به بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی اجازه می‌دهد تا بدون آن‌که هویت آن‌ها افشا گردد در روند دادرسی مداخله داشته باشند، البته باتوجه به این‌که

کند. شعبه پژوهشی در موقعیتی نیست که به شعبه مقدماتی توصیه کند که چطور باید جهت مشارکت در رسیدگی‌های قضایی در مرحله تحقیق یک وضعیت در آینده رسیدگی کند و لذا در غیاب هرگونه راهنمایی شفاف در نظر شعبه پژوهشی، موضوع محل بحث است.

۲-۲-۲- مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله دادرسی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند قواعد دادرسی و ادله در موارد مختلف به بیان حق بر مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی تصریح می‌کنند. بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه مقرر می‌دارد: «در مواردی که منافع شخصی بزه‌دیدگان در معرض تعرض قرار می‌گیرد، دیوان اجازه خواهد داد که نظرات و مواردی که موجب نگرانی آنان است ارائه شود و در مراحل مختلف دادرسی که توسط دیوان مناسب تشخیص داده می‌شود، به نحوی که منافی یا معارض با حقوق متهم و نیز دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه نباشد، بررسی شود». «نظرات و موارد نگرانی مزبور می‌تواند توسط نمایندگان قانونی بزه‌دیدگان ارائه شود، مشروط بر آنکه به نظر دیوان و بر اساس قواعد دادرسی و ادله، چنین امری مناسب تشخیص داده شود» (کریاس فروش و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۰).

«حق بر مشارکت به موجب این ماده با بزه‌دیده‌ای است که از جرمی که در صلاحیت دیوان است و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، متأثر شده و بر مصالح و منافع او خدشه وارد شده باشد. تفسیر مضیق از این مفهوم مستلزم آن است که بین بزه‌دیدگان مستقیم و بزه‌دیدگان غیر مستقیم، قائل به تفکیک شد. بزه‌دیدگان مستقیم کسانی هستند که با وقوع بزه، مستقیماً به یکی از حقوق قانونی آنان صدمه وارد شده است، درحالی‌که بزه‌دیدگان غیرمستقیم، از وقوع بزه علیه شخص ثالث متأثر شده‌اند» (خالقی، ۱۳۹۹: ۱۱۹). «در اساسنامه، اشاره به بزه‌دیدگانی شده است که وقوع بزه در منافع شخصی آنان تأثیر داشته است. بدین‌سان، آن دسته از بزه‌دیدگانی که به منافع شخصی‌شان صدمه‌ای وارد نشده است نمی‌توانند به استناد بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه درخواست مشارکت در فرایند

درخواست کرد. دیگر آن که پیشنهاد کرد که زناى به عنف و تجاوز، اگر به صورت گسترده باشد، باید دادگاه آن را به عنوان اتهام نسل‌کشی در نظر بگیرد. در پرونده دیگری که در آن دولت رواندا در ۲۰ آوریل ۱۹۹۸ به عنوان دوست دادگاه در آن مداخله داشت، پرونده **باگوسورا** بوده که این مشارکت باهدف درنظر گرفتن موضوعاتی نظیر جبران، اعاده وضعیت به حال سابق و پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان صورت گرفت» (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۹۹). «حق مشارکت فراگیر است و شامل تمامی مراحل دادرسی می‌شود و از این رو هم شامل مرحله تحقیق و تعقیب و هم مرحله دادرسی است. البته این امر منوط به این است که این مشارکت از طرف دیوان، مناسب تشخیص داده شده و مشارکت به نحوی باشد که منتهی به پیش‌داوری نشده و مغایر با حقوق متهم و دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه نباشد. در این مورد تصمیم‌گیری با خود دیوان است که با توجه به حقایق پرونده تصمیم‌گیری کند. البته نفس شرایط مقرر برای مشارکت بزه‌دیده، مؤیدی است مبنی بر اینکه فرایند دادرسی در دیوان بر عدالت‌گیری سنتی متکی است» (Cohen, 2009: 25-26)، زیرا در مقام تعارض بین حقوق و مصالح بزه‌دیده و متهم، این تعارض را به نفع مصالح متهم حل می‌کند.

تنها دعوی مطروحه ناشی از جرایم ارتكابی جنگ جهانی دوم علیه متفقین از سوی برخی اتباع ژاپن علیه آمریکا در سال ۱۹۶۳ به دلیل استفاده از بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی، که به کشته و مجروح شدن بیش از ۲۲۵۰۰۰ غیر نظامی بی‌گناه انجامید، مطرح شد، لیکن دادگاه ژاپن این دعوی را رد کرد و جنایات مذکور هم‌چنان بدون محکومیت باقی‌مانده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۳۱).

«حق مشارکت فراگیر است و شامل تمامی مراحل دادرسی می‌شود و از این رو هم شامل مرحله تحقیق و تعقیب و هم مرحله دادرسی است. البته این امر منوط به این است که این مشارکت از طرف دیوان، مناسب تشخیص داده شده و مشارکت به نحوی باشد که منتهی به پیش‌داوری نشده و

جنایات بین‌المللی غالباً بزه‌دیدگان و قربانیان بی‌شماری دارند، شمار زیاد بزه‌دیدگان نباید دادرسی عادلانه را تضعیف کند. دیوان باید میان اهداف خویش یعنی محاکمه عادلانه و حق بزه‌دیدگان برای شرکت در دادرسی، تعادل برقرار نماید» (مؤذن‌زادگان و امیری، ۱۴۰۱: ۷۳-۳۷).

۳- حق بر مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در رویه قضایی

در این راستا می‌توان به برخی از آراء و رویه‌های قضایی دیوان در زمینه پذیرش و اهمیت نقش بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری اشاره کرد: «شعبه دوم مقدماتی در مورد ادعای دادستان علیه ویلیام سامویی روتو، هنری کیرونو کاسگی و جوزف آرپ سانگ، تا تاریخ ۳۰ آگوست ۲۰۱۱، به ۳۲۷ قربانی اجازه مشارکت در فرایند کیفری دیوان را اعطا کرده است. هم‌چنین، بر مبنای تصمیم شعبه دوم مقدماتی در پرونده ادعای دادستان علیه فرانسس کیریمی موتارا، اوهورو مویگای کنیاتا و محمدحسین علی، تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱، ۲۳۳ قربانی شایستگی مشارکت در دادرسی‌ها را به دست آورده‌اند» (Cohen, 2009: 25-26).

«در دادگاه رواندا وضعیت مشارکت اندکی متفاوت است، هرچند که در اساسنامه و آیین دادرسی این دادگاه هم امکانی برای مشارکت بزه‌دیدگان در جایگاه خود به عنوان بزه‌دیده نه شاهد مقرر نشده است، با این حال مشارکت بزه‌دیده به عنوان شاهد، نقطه عطفی در حضور بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی و هم‌چنین تعقیب و مجازات جنایت‌کاران و عاملان نسل‌کشی به حساب می‌آید» (خالقی، ۱۳۹۴: ۹۷).

«در پرونده جین پاول آکایسو سازمان مردم‌نهاد ائتلاف برای حقوق بشر در اوضاع جنگی، در سال ۱۹۹۷ میلادی به عنوان دوست دادگاه در دادرسی‌ها مشارکت جسته، بازبینی و تجدیدنظر کیفرخواست و ادله مندرج به منظور انتساب برخی اتهامات زنا‌ی عنف و سایر خشونت‌های جنسی را از دادستان

برای بزه‌دیدگان نیز فراهم شود، نباید فراموش کرد که به رسمیت شناختن این حقوق نباید منجر به نادیده‌انگاشتن و پایمال کردن حقوق متهمان شود» (رضوی‌فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۹۹).

۴-۱- بیان نظرها و دل‌نگرانی‌ها

بزه‌دیدگان می‌توانند دیدگاه‌ها، نظرات دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های خویش را در حضور دادرسان بیان کنند. رئیس شعبه مقدماتی در جلسه تأیید اتهامات لوبانگا - ۲۸ نوامبر ۲۰۰۶ به قربانیان اظهار داشت: «ما با دقت بسیاری به سخنان شما گوش فرا می‌دهیم، زیرا شاید آن‌چه که شما بیان می‌نمایید دارای اهمیت بسیاری به‌ویژه از منظر اساسنامه باشد» (Will, 2007; 116).

بر پایه بند ۴ ماده ۵۰ آیین دادرسی و ادله «دیوان می‌تواند به هنگام تصمیم‌گیری درخصوص فرآیندهای رسیدگی نظرات قربانیان را جویا شود. به علاوه، ماده ۹۳ آیین دادرسی و ادله دیوان با عنوان «دیدگاه‌های بزه‌دیدگان و نمایندگان قانونی آنان» مقرر کرده است، شعبه‌های دیوان می‌توانند دیدگاه‌های بزه‌دیدگان شرکت‌کننده در دادرسی‌ها و وکلای‌شان را در مورد هر موضوعی، از جمله تجدیدنظر از تصمیم دادستان مبنی بر عدم شروع تحقیق یا تعقیب برگزاری جلسه تأیید اتهامات در غیاب متهم، انجام محاکمه‌های مشترک و مستقل، صدور رأی در صورت اعتراف به جرم و ارائه تضمین به شاهد (مبنی بر مصونیت از تعقیب بازداشت یا هر محدودیت دیگر در مورد فعل و ترک فعل پیش از عزیمت به دیوان) درخواست کند به‌علاوه، شعبه می‌تواند در صورت لزوم نظرات بزه‌دیدگانی را که در دادرسی‌ها حضور نداشته‌اند، استعلام کند» (غلامی و رستمی‌غازانی، ۱۳۹۲: ۳۳).

۴-۲- پرسش از متهم شاهدان و کارشناسان

«نماینده قربانی در صورت تمایل به پرسش از شاهد، کارشناس و یا متهم، باید آن را از دادگاه درخواست نماید. شعبه می‌تواند بزه‌دیده را ملزم به ارائه یادداشت کتبی در مورد

مغایر با حقوق متهم و دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه نباشد. در این مورد تصمیم‌گیری با خود دیوان است که با توجه به حقایق پرونده تصمیم‌گیری کند. البته نفس شرایط مقرر برای مشارکت بزه‌دیده، مؤیدی است مبنی براینکه فرایند دادرسی در دیوان بر عدالت‌کیفری سنتی متکی است زیرا در مقام تعارض بین حقوق و مصالح بزه‌دیده و متهم، این تعارض را به نفع مصالح متهم حل می‌کند» (اختری و مودن‌زادگان، ۱۳۹۸).

«همه بزه‌دیدگان نمی‌توانند از مشارکت فعال در هرگونه فرآیندی بهره‌مند شوند، اما مشارکتی باید فراهم شود شرکت بزه‌دیده در دادرسی، در نظام‌های حقوقی مختلف به شیوه‌های متفاوتی تأمین می‌شود. در بسیاری از کشورها دادستان نماینده دیدگاه‌های بزه‌دیده انگاشته می‌شود و در برخی کشورها فرم‌های «اظهارات بزه‌دیده» در مورد آثار جرم بر خود استفاده می‌شود» (Cohen, 2009: 25-26). کشورهای درگیر در طرح اساسنامه رم، سعی داشتند تا با تأکید بر شایستگی‌های نظام‌های حقوقی خود، اصول حقوقی خود را حاکم کنند، اما با گذشت زمان دریافتند که قواعد و مقررات داخلی به‌خودی‌خود قابل استفاده در محاکم بین‌المللی نیستند. بدین‌سان اعمال تلفیقی از قواعد و رویه‌های ناشی از نظام‌های مختلف حقوقی یا ایجاد قواعد جدیدی، ضروری به نظر رسید.

۴-۳ مصادیق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی در اسناد و

رویه قضایی بین‌المللی

«در مواردی که منافع شخصی بزه‌دیدگان مورد تعرض قرار گیرد، دیوان اجازه مشارکت آنان را در مراحل مختلف دادرسی به شیوه‌ای که منافی و یا معارض با حقوق متهم و نیز یک محاکمه بی‌طرفانه و منصفانه نباشد صادر می‌کند (بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم). نکته مهم، موضوع برخورد و تضاد منافع و نگرانی‌های بزه‌دیده با منافع و نگرانی‌های متهم است. هرچند اصل رفتار منصفانه ایجاب می‌کند که حقوق مشخصی به‌مثابه آن‌چه متهمان بر پایه اصل دادرسی عادلانه از آن بهره‌مندند،

به بزه‌دیدگان اعطا کردند. رفتار منصفانه با قربانیان و حق دسترسی آنان به عدالت در گروهی پیش‌بینی سازوکارهایی حقوقی به‌منظور حمایت از بزه‌دیدگان است در همین راستا دیوان کیفری بین‌المللی با پیش‌بینی گونه‌های متفاوتی از حمایت‌های حقوقی در مسیر اجرای عدالت برای بزه‌دیدگان گام برداشته است. توجه به نظرات بزه‌دیدگان در تعیین مجازات در شمار حمایت‌های حقوقی پیش‌بینی شده از سوی دیوان قرار دارد. از این‌رو، دادرسان به‌هنگام تعیین مجازات، معیارهایی نظیر بی‌دفاع بودن بزه‌دیده، تعدد قربانیان و ارتکاب جرم با بی‌رحمی خاص را به‌عنوان کیفیات مشدده مجازات و تلاش مرتکب برای جبران خسارت از بزه‌دیده را به‌عنوان کیفیت، مخففه مدنظر قرار خواهند داد. جبران خسارت از بزه‌دیدگان که برای نخستین‌بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، از ویژگی‌های منحصر به فرد دیوان به‌شمار می‌آید. بزه‌دیده حق دارد به‌طور مستقیم از بزه‌کار جبران خسارت دریافت نماید و میزان و نحوه جبران از سوی دادرسان تعیین می‌گردد. همچنین گستره حمایت‌های حقوقی دیوان می‌گیرد.

در کل تلاش‌های گسترده‌ای که به‌منظور تضمین و ترویج دستاوردهای حقوق بشری در قلمرو دادرسی کیفری صورت گرفت، حق دسترسی به عدالت در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی را در پی داشت. رفتار منصفانه با قربانیان و حق دسترسی آنان به عدالت در گروهی پیش‌بینی سازوکارهایی حقوقی به‌منظور حمایت از بزه‌دیدگان است. در همین راستا دیوان کیفری بین‌المللی با پیش‌بینی گونه‌های متفاوتی از حمایت‌های حقوقی در مسیر اجرای عدالت برای بزه‌دیدگان گام برداشته است. مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها از رهگذر وکلای آنان محقق می‌شود. بهره‌گیری از حق مشارکت در دادرسی‌ها، حقوق دیگری را نیز برای بزه‌دیدگان به همراه آورده است. دیوان می‌بایست بزه‌دیدگان را از پیشرفت‌های به دست آمده در پرونده، مراحل رسیدگی‌ها و زمان‌بندی آن‌ها اسناد، درخواست‌ها، تأییدها، پیشنهادها، تصمیمات، آراء، قرارها و احکام مربوط به جبران خسارت آگاه

سؤالات خود نماید. سؤالات به دادستان و متهم منتقل می‌شوند و آنان اجازه ارائه دیدگاه‌های خود را در مهلت زمانی تعیین شده از سوی دادگاه خواهند داشت» (قسمت الف بند ۳ ماده ۹۱ آیین دادرسی و ادله).

«شعبه با ملاحظه مراحل رسیدگی حقوق متهم، منافع شهود، نیاز به انصاف و انجام یک محاکمه سریع و عادلانه در مورد درخواست مشارکت قرار داد صادر خواهد کرد. قرار ممکن است شامل راهنمایی‌هایی در مورد روش و نظم سؤالات و ارائه اسنادی در رابطه با اختیارات دادگاه باشد به‌علاوه دادگاه - در صورت لزوم - سؤال را از جانب نماینده قانونی بزه‌دیده از شاهد کارشناس و یا متهم خواهد پرسید» (قسمت ب بند ۳ ماده ۹۱ آیین دادرسی و ادله).

نتیجه‌گیری

در محاکم کیفری اختصاصی پیش از تأسیس دیوان، در دادگاه‌های نسل اول، یعنی نورنبرگ و توکیو، متأسفانه نه تنها اشاره‌ای به حقوق و حمایت‌های بزه‌دیدگان نشده، بلکه حتی واژه بزه‌دیده هم به‌چشم نمی‌خورد. در محاکم نسل دوم، یعنی یوگسلاوی سابق، رواندا و سیرالئون، گرچه پیشرفت‌هایی نسبت به محاکم پیشین در بحث حقوق و مشارکت بزه‌دیدگان ایجاد شده است، اما به‌طور کلی جایگاهی فراتر از شهود کسب نکرده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی تحت تأثیر تحولات و تجارب به‌دست آمده از محاکم بین‌المللی پیشین، حقوق مشارکتی نسبتاً گسترده‌ای برای بزه‌دیدگان در مراحل مختلف و با اشکال متنوعی در نظر گرفته است. با وجود محدودیت‌های بسیار در زمینه مشارکت بزه‌دیدگان، تاکنون رویه قضایی دیوان از تفسیر موسع حقوق مشارکتی حمایت کرده است، با این حال، این قضات هستند که در خصوص بازه‌های زمانی، شیوه و میزان مشارکت، تعیین‌کننده شمرده می‌شوند.

مواد اساسنامه رم در هماهنگی با قواعد دادرسی و ادله در دیوان، جایگاه فعلی در فرایند رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی

- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. جلد بیست و هفتم، الطبعة السادسة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل کیفری اختصاصی*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۹). *رژیم تعقیب و تحقیق جنایات بین‌المللی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- رضوی‌فرد، بهزاد و دیرباز، مرضیه (۱۳۹۲). «حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه‌دیدگان». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، (۳): ۹۹-۱۱۷.

- رضوی‌فرد، بهزاد و فقیه محمدی، حسن (۱۳۹۰). «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی». *مجله حقوقی بین‌المللی مرکز امور بین‌المللی ریاست جمهوری*، ۲۸(۴۵): ۱۹۵-۲۳۳.

- رهگشا، امیرحسین (۱۳۸۲). *نگاهی به شوراهای حل اختلاف*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشور.

- عبداللہی، اسماعیل (۱۳۸۹). *درس‌هایی از فلسفه کیفری درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان*. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

- غلامی، حسین، رستمی‌غازانی، امید (۱۳۹۲). «زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، (۴): ۳۳-۶۴.

- فتحی، محمدجواد (۱۳۹۲). «جایگاه دادستان در سیاست جنائی نوین». *مجله پژوهشی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تبریز*، (۷): ۱۲۳-۱۴۸.

- کرباس‌فروش، قاسم؛ وروایی، اکبر و توسلی زاده، توران (۱۳۹۹). «حقوق بزه‌دیده از منظر دادرسی عادلانه و اخلاق در آیین دادرسی کیفری و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *نشریه اخلاق در علوم و فناوری*، (۳): ۲۰-۲۵.

نماید. به علاوه، دیوان باید با پیش‌بینی تدابیر حفاظتی امنیت قربانیان اعضای خانواده‌هایشان، اشخاص تحت سرپرستی و افراد در معرض خطر را تأمین کند. بر همین اساس واحد بزه‌دیدگان شاهدان به‌منظور پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی و حفاظت از قربانیان و اعضای خانواده احتمالی آن‌ها ایجاد شده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). *لسان العرب*. جلد دوازدهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- اختری، عباس و مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۸). «جایگاه حقوق بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، (۲۶): ۴۱-۷۳.

- پرویزی، سیروس و داورنیا، رحیم (۱۳۹۹). «حمایت از بزه‌دیده غیرمستقیم در قتل عمدی در ایران و اسناد بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، (۳۳): ۱۵۹-۱۸۵.

- Will, M (2007). "A Balancing Act The Introduction Of Restorative Justice in The International Criminal Court's case of the Prosecutor V Thomas Lubanga Dyilo". *Journal of Transnational Law and Policy*, 45(123): 101-116.

- Williams, K (2004). *Textbook on Criminology*. 1st ed., New York: Oxford University Press.

- محمدزاده اصل، حیدر (۱۳۷۹). *داوری در حقوق ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.

- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۲). *قضا و قضاوت در اسلام*. چاپ اول، تهران: انتشارات المهدی.

- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و امیری، سعید (۱۴۰۱). «چالش‌های تقنینی و قضایی ادله علمی در حقوق کیفری ایران». نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰(۱۹): ۳۷-۷۳.

- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۵). *دادگاه کیفری بین‌المللی*. چاپ نهم، تهران: نشر دادگستر.

- والین، لوک (۱۳۸۵). «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی از حق حمایت تا حق بیان». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳(۳۴): ۳۳-۵۶.

- وکیع، خلف بن حیان (۱۳۵۹). *اخبارالقضاء*. الجزء الاول، البطعه الاولى، قاهره: المطبعة الاستقامه.

ب. منابع انگلیسی

- Cohen, M (2009). "Victims' Participation Rights within the International Criminal Court a Critical Overview". *Miriam Cohen Denver Journal of International Low & Policy*, 3(37): 25-26.

- Mekjiant, G & Varughese, M (2005). "Hearing The Victims' Voice: Analysis Of Victims' Advocate Participation In The Trial Proceeding of The International Criminal Court". *International Law Review PACE University*, 5(17): 17.

- Rolek, M (2013). "An Uneven Scale: an Examination of the International Criminal Court's Progressive Victim Protection Rules in the Lubanga Trial". *Student scholarship*, 45(295):1-5.